



دستورالعمل قسامان و مقنّیان

متن فارسی از دورهٔ صفوی در فنّ کاریز،
با پژوهشی دربارهٔ نقش و کارکردهای کاریز در تمدن اسلامی

فخرالدین علیشاه حسین قسام جویمی

تصحیح و تحقیق
ندا حیدرپور نجف آبادی، علی صفری آق قلعه





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
شناسه افزوده
شناسه افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی
- قسام جویمی، فخرالدین علیشاه حسین، قرن ۱۱ ق.
دستورالعمل قشمانان و مقتیان: متن فارسی از دوره صفوی در فن کاریز، با پژوهشی درباره نقش و کارکردهای کاریز در تمدن اسلامی / فخرالدین علیشاه حسین قشمان جویمی؛
تصحیح و تحقیق دکتر ندا حیدرپور نجف آبادی، علی صفری آق قلعه.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۱.
۳۷۰ ص.
مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار؛ ۳۲۹. گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۱۹.
۵۹-۶۲۲-۷۷۰۶-۹۷۸-۸
فیبیا.
کتابنامه: ص. [۳۶۵] - ۳۷۶.
متن فارسی از دوره صفوی در فن کاریز، با پژوهشی درباره نقش و کارکردهای کاریز در تمدن اسلامی.
قنات ها -- ایران -- تاریخ
Qanats -- Iran -- History
موضوع
قنات ها -- ایران -- تحقیق.
موضوع
Qanats -- Iran -- Research
موضوع
قنات کاران -- ایران.
موضوع
Qanat Specialists -- Iran*
موضوع
نثر فارسی -- قرن ۱۰-۱۲ ق.
موضوع
Persian Prose Literature -- 16th-18th Centuries
حیدرپور نجف آبادی، ندا، ۱۳۶۶، -، مصحح.
صفری آق قلعه، علی، ۱۳۵۷، -، مصحح.
GB۱۱۵۳
۵۵۱/۴۹۰۹۵۵
۹۰۰۸۹۲

دستورالعمل قسامان و مقنّیان

متن فارسی از دوره صفوی در فنّ کاریز،
با پژوهشی درباره نقش و کارکردهای کاریز در تمدن اسلامی



فخرالدین علیشاه حسین قسام جویمی

تصحیح و تحقیق



دکتر ندا حیدرپور نجف آبادی، علی صفری آق قلعه



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۱۹]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح‌الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین‌وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



دستورالعمل قسامان و مقتیان

متن فارسی از دوره صفوی در فنّ کاریز،
با پژوهشی درباره نقش و کارکردهای کاریز در تمدن اسلامی

فخرالدین علیشاه حسین قسام جوئیمی



دکتر ندا حیدرپور نجفآبادی (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تصحیح و تحقیق

علی صفری آق قلعه

کاوه حسن بیگلر

گرافیسٲ، طراح و مجری جلد

صدف

لیتوگرافی

آزاده

چاپ متن

فرد

صحافی

۱۱۰۰ نسخه

تیراژ

۱۴۰۱

چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار

ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۴

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)

وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

دکتر ژاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)

دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار

ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهربانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار

بهرز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)

دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی

دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تاییست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

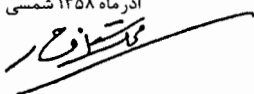
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی





کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتبی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزّه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواست و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره



یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

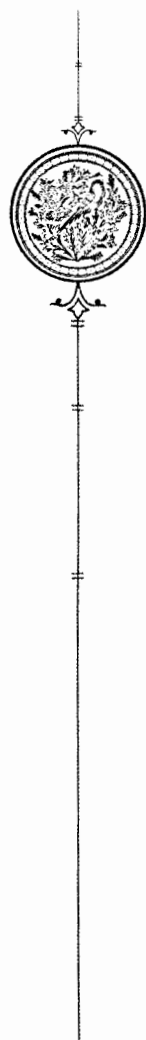
کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوجوی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مندرجات کتاب

۲۷	 دیباجه
۳۳	 مقدمه
۳۳	 نویسنده اثر: فخرالدین علیشاه حسین قسام جویمی
۳۳	 نسبت جویمی
۳۵	 دو جویم در متون و آب رکناباد
۳۷	 دوره زندگی فخرالدین علیشاه حسین جویمی و محدوده نگارش اثر
۳۸	 نام متن
۳۸	 خطبه دستورالعمل قسامان و مقتیان و اتحال از دیباجه صنایع الکیال
۳۹	 آیین فتوت در دستورالعمل قسامان و مقتیان
۴۰	 فصل بندی کتاب و مشکلات آن در نام گذاری بخش ها و زیر مجموعه های آن ها
۴۰	 اشتباهات جویمی در بخش بندی کتاب
۴۱	 جابجایی های نسخه
۴۲	 نسخه اثر
۴۳	 توصیف ساختار کاریز (قنات)
۴۵	 بخش تره کار و خشکه کار
۴۶	 حفر چاه های گمانه
۴۷	 ترازو کشیدن (وزن زمین)
۴۸	 ساختار ترازو
۵۰	 شیوه کار ترازو

- ۵۲ حفر کوره کاریز.....
- ۵۴ نام‌های رایج کاریز و برخی واژه‌های مربوط به آب‌های زیرزمینی.....
- ۵۷ تعبیر «اجرای کاریز» و شکل‌های دیگر آن.....
- ۵۸ واژه‌های فراونگ، فراهنگ و فقیر.....
- ۵۹ متون کهن درباره آب و آبیاری.....
- ۶۵ متون کهن ویژه کاریزها.....
- ۶۷ دانش شناسایی و استخراج آب‌های زیرزمینی در منابع تعریفات علوم.....
- ۶۸ مهندس و آبشناس.....
- ۷۱ پژوهش‌های نوین درباره کاریز.....
- ۷۲ گزارش‌ها درباره گستره کاربرد کاریز در سده‌های گذشته.....
- ۷۵ بررسی موردی کاریزهای نیشابور.....
- ۸۱ کارکردهای کاریز در زندگی و جامعه قدیم ایران.....
- ۸۲ پیوستن آب کاریزها به یکدیگر و پیوستن آب جوی‌ها و رودها به کاریزها.....
- ۸۴ خرید و فروش و وقف آب کاریزها.....
- ۸۵ کاریز و استیفا.....
- ۸۶ نقش و وظیفه حکومت‌ها در تأمین آب و اجرای کاریزها.....
- ۸۸ آب‌بها (منال).....
- ۹۰ نقش حکومت در بخش‌بندی آب‌ها.....
- ۹۲ لزوم آگاهیِ دیربان و مستوفیان از چگونگی اجرای کاریز.....
- ۹۳ هزینه‌های کاریزهای حکومتی در اسناد و دفاتر دیوانی.....
- ۹۶ اسناد کاریزها (اطلاعات کاریزها در اسناد و دفاتر دیوانی).....
- ۹۹ تأسیسات مرتبط با کاریز و راهکارهای اداره آن.....
- ۱۰۰ آسیاب (طاحونه) و کاریز.....
- ۱۰۱ ساختار آسیاب‌های کاریزی (آسیابِ تنوره).....
- ۱۰۵ گرمابه و کاریز.....
- ۱۰۷ آب‌انبار و کاریز.....
- ۱۰۷ یخدان/ یخچال و کاریز.....
- ۱۰۸ سی‌پک (رختشوی‌خانه).....
- ۱۰۹ کاریز و کارگاه‌های کاغذسازی (کاغذگرخانه، کاغذخانه).....

۱۱۰	پرورش ماهی در کاریز
۱۱۰	مسائل حقوقی کاریزها
۱۱۳	آب در منابع فقهی دوره اسلامی
۱۱۴	۱. مالکیت بر آب از دیدگاه حدّ تصرف
۱۱۸	۲. انواع منابع آبی / شیوه‌های آبیاری و تأثیر آن‌ها بر چگونگی و اندازه مالیات
۱۲۲	۳. تأثیر آب در مالکیت زمین (به‌ویژه احیاء موات)

متن دستورالعمل قسامان و مقتیان

فهرست بخش‌بندی‌های متن^۱

۱۲۹	خطبه (بندهای ۸-۱)
	مقدمه نخست (بندهای ۸-۱)
	مقدمه دوم دستورالعمل امراء تحت الارض ... (بندهای ۹-۱۲)
	شرح ترازو و ملحقات آن (بندهای ۱۳-۲۷)
	فهرست ابواب متن (بندهای ۲۸-۴۰)
۱۳۹	باب اول: در بیان شناختن زمین‌ها (بندهای ۴۱-۷۳)
	۱. ۱. قسم اول: در بیان شناختن گِلِ خاصه (بندهای ۴۱-۴۲)
	۱. ۲. قسم دوم: در بیان شناختن گِلِ وَرک (بند ۴۳)
	۱. ۳. قسم سیم: در بیان شناختن گِلِ مویزک (بند ۴۴)
	۱. ۴. قسم چهارم: در بیان شناختن گِلِ کریشه (بند ۴۵)
	۱. ۵. قسم پنجم: در بیان شناختن گِلِ چَرَم (بند ۴۶)
	۱. ۶. قسم ششم: در بیان شناختن گِلِ بوی (بند ۴۷)
	۱. ۷. قسم هفتم: در بیان شناختن گِلِ گِج (بند ۴۸)
	۱. ۸. قسم هشتم: [گِلِ سرشور] (بند ۴۹)
	۱. ۹. قسم نهم: در شناختن گِلِ شوره (بند ۵۰)
	۱. ۱۰. قسم دهم: در بیان گِلِ کنار (بند ۵۱)

۱. این فهرست، به شیوه‌ی اعشاری برای نشان دادن ارتباط بخش‌های متن با یکدیگر تنظیم شده است. عدد مربوط به هر باب در سمت راست قرار دارد و زیر مجموعه‌های هر باب با عددی که در سمت چپ عدد اصلی قرار دارد نمایش داده شده‌اند. به همین ترتیب، عدد هر کدام از زیر مجموعه‌ها یک رقم به سوی چپ برده شده است. دلیل تنظیم این فهرست در مقدمه تشریح شده است.

۱. ۱۱. قسم یازدهم: [در بیان] سَکِلِ تخته (بند ۵۲)
۱. ۱۲. قسم دوازدهم: در بیان سکل پنجه (بند ۵۳)
۱. ۱۳. قسم سیزدهم: در بیان شناختن گِلِ سَکِلِ (بند ۵۴)
۱. ۱۴. قسم چهاردهم: در بیان شناختن گِلِ وِرکِ کَلَه (بند ۵۵)
۱. ۱۵. قسم پانزدهم: [نوعی گِلِ وِرکِ که کرشک خرده دارد] (بند ۵۶)
۱. ۱۶. قسم شانزدهم: در شناختن کرشک دوخته (بند ۵۷)
۱. ۱۷. قسم هفدهم: [نوعی کرشک] (بند ۵۸)
۱. ۱۸. قسم هشتدهم: [نوعی کرشک] (بند ۵۹)
۱. ۱۹. قسم نوزدهم: [کرشکِ مشهور به کرشم] (بند ۶۰)
۱. ۲۰. قسم بیستم: [آجوه] (بند ۶۱)
۱. ۲۱. قسم بیست و یکم: [سنگِ کمری] (بند ۶۲)
۱. ۲۲. قسم بیست و دویم: در بیان کره کمر (بند ۶۳)
۱. ۲۳. قسم بیست و سیم: کریرزه کمر (بند ۶۴)
۱. ۲۴. قسم بیست و چهارم: [و] چهارم: سنگِ لخت (بند ۶۵)
۱. ۲۵. قسم بیست و پنجم: در بیان گِلِ صُل (بند ۶۶)
۱. ۲۶. قسم بیست و ششم: [صل ورق] (بند ۶۷)
۱. ۲۷. قسم بیست و هفتم: در بیان صل ریزه (بند ۶۸)
۱. ۲۸. قسم بیست و هشتم: در بیان صل دو (بند ۶۹)
۱. ۲۹. قسم بیست و نهم: [ساردو] (بند ۷۰)
۱. ۳۰. قسم سی ام: [تور] (بند ۷۱)
۱. ۳۱. قسم سی و یکم: در بیان شناختن زه شکسته (بندهای ۷۲-۷۳)

بابِ دویم: در بیان قناتِ معمور کردن (بندهای ۷۴-۱۰۱) ۱۴۹

۲. ۱. قسم اول (بندهای ۷۵-۷۹)
۲. ۲. قسم دوم (بندهای ۸۰-۸۱)
۲. ۳. قسم سیم (بند ۸۲)
۲. ۴. قسم چهارم (بند ۸۳)
۲. ۵. قسم پنجم (بندهای ۸۴-۸۶)
۲. ۶. قسم ششم (بندهای ۸۷-۸۹)
۲. ۷. قسم هفتم (بندهای ۹۰-۹۱)
۲. ۸. قسم هشتم: در باب قناتِ کوهکی و عمارتِ آن (بند ۹۲)
۲. ۹. قسم نهم (بند ۹۳)

- ۱۰.۲. قسم دهم (بند ۹۴)
- ۱۱.۲. قسم یازدهم (بند ۹۵)
- ۱۲.۲. قسم دوازدهم (بند ۹۶)
- ۱۳.۲. قسم سیزدهم (بند ۹۷)
- ۱۴.۲. قسم چهاردهم: در باب معمور نمودن بایرات و عیب و هنر آن (بند ۹۸)
- ۱۵.۲. قسم پانزدهم (بند ۹۹)
- ۱۶.۲. قسم شانزدهم (بند ۱۰۰)
- ۱۷.۲. قسم هفدهم (بند ۱۰۱)
- باب سیم: در بیان استیفاء کارها و غیره (بندهای ۱۰۲-۱۳۴) ۱۵۷
- ۱.۳. قسم اول (بند ۱۰۲)
- ۲.۳. قسم دوم (بند ۱۰۳)
- ۳.۳. قسم سیم (بند ۱۰۴)
- ۴.۳. قسم چهارم (بند ۱۰۵)
- ۵.۳. قسم پنجم (بند ۱۰۶)
- ۶.۳. قسم ششم (بند ۱۰۷)
- ۷.۳. قسم هفتم (بند ۱۰۸)
- ۸.۳. قسم هشتم (بند ۱۰۹)
- ۹.۳. قسم نهم (بند ۱۱۰)
- ۱۰.۳. قسم دهم (بند ۱۱۱)
- ۱۱.۳. قسم یازدهم (بند ۱۱۲)
- ۱۲.۳. قسم دوازدهم (بندهای ۱۱۳-۱۱۴)
- ۱۳.۳. قسم سیزدهم (بندهای ۱۱۵-۱۱۷)
- ۱۴.۳. قسم چهاردهم (بند ۱۱۸)
- ۱۵.۳. قسم پانزدهم (بند ۱۱۹)
- ۱۶.۳. قسم شانزدهم (بند ۱۲۰)
- ۱۷.۳. قسم هفدهم (بند ۱۲۱)
- ۱۸.۳. قسم هجدهم (بند ۱۲۲)
- ۱۹.۳. قسم نوزدهم (بند ۱۲۳)
- ۲۰.۳. قسم بیستم (بند ۱۲۴)
- ۲۱.۳. قسم بیست و یکم (بندهای ۱۲۵-۱۲۶)
- ۲۲.۳. قسم بیست و دوم (بندهای ۱۲۷-۱۲۹)

۲۳.۳. قسم بیست و سیم (بند ۱۳۰)

۲۴.۳. قسم بیست و چهارم (بند ۱۳۱)

۲۵.۳. قسم بیست و پنجم (بند ۱۳۲)

۲۶.۳. قسم بیست و ششم (بند ۱۳۳)

۲۷.۳. قسم بیست و هفتم (بند ۱۳۴)

باب چهارم: در بیان مباحثات میانه ملاک و متصدیان (بندهای ۱۳۵-۱۹۰) ۱۶۷

۱.۴. قسم اول (بند ۱۳۵)

۲.۴. قسم دوم (بند ۱۳۶)

۳.۴. قسم سیم (بند ۱۳۷)

۴.۴. قسم چهارم (بند ۱۳۸)

۵.۴. قسم پنجم (بند ۱۳۹)

۶.۴. قسم ششم (بند ۱۴۰)

۷.۴. قسم هفتم (بند ۱۴۱)

۸.۴. قسم هشتم (بندهای ۱۴۲-۱۴۳)

۹.۴. قسم نهم (بند ۱۴۴)

۱۰.۴. قسم دهم (بند ۱۴۵)

۱۱.۴. قسم یازدهم (بند ۱۴۶)

۱۲.۴. قسم دوازدهم (بند ۱۴۷)

۱۳.۴. قسم سیزدهم (بند ۱۴۸)

۱۴.۴. قسم چهاردهم: در بیان چاه آب انداز و کار آب انداز (بندهای ۱۴۹-۱۷۳)

۱.۱۴.۴. قسم اول: در بیان چاه آب انداز (بندهای ۱۵۰-۱۵۵)

۱.۱.۱۴.۴. قسم اول (بند ۱۵۱)

۲.۱.۱۴.۴. قسم دوم (بند ۱۵۲)

۳.۱.۱۴.۴. قسم سوم (بند ۱۵۳)

۴.۱.۱۴.۴. قسم چهارم (بند ۱۵۴)

۵.۱.۱۴.۴. قسم پنجم (بند ۱۵۵)

۲.۱۴.۴. قسم دوم: در بیان کار آب انداز (بندهای ۱۵۶-۱۶۲)

۱.۲.۱۴.۴. قسم اول (بند ۱۵۷)

۲.۲.۱۴.۴. قسم دوم (بند ۱۵۸)

۳.۲.۱۴.۴. قسم سیم (بند ۱۵۹)

۴.۲.۱۴.۴. قسم چهارم (بند ۱۶۰)

۴. ۱۴. ۲. ۵. قسم پنجم (بند ۱۶۱)
۴. ۱۴. ۲. ۶. قسم ششم (بند ۱۶۲)
۴. ۱۴. ۳. قسم سیم: در بیان ممّر میان قنّوات ... (بندهای ۱۶۳-۱۷۳)
۴. ۱۴. ۱. ۳. قسم اول (بند ۱۶۴)
۴. ۱۴. ۲. ۳. قسم دوم (بند ۱۶۵)
۴. ۱۴. ۳. ۳. قسم سیم (بندهای ۱۶۶-۱۶۷)
۴. ۱۴. ۳. ۴. قسم چهارم (بند ۱۶۸)
۴. ۱۴. ۵. ۳. قسم پنجم (بندهای ۱۶۹-۱۷۳)
۴. ۱۴. ۱. ۵. ۳. قسم اول (بند ۱۷۰)
۴. ۱۴. ۲. ۵. ۳. قسم دوم (بند ۱۷۱)
۴. ۱۴. ۳. ۵. ۳. قسم سیم (بند ۱۷۲)
۴. ۱۴. ۳. ۴. ۵. قسم چهارم (بند ۱۷۳)
۴. ۱۵. قسم پانزدهم (بند ۱۷۴)
۴. ۱۶. قسم شانزدهم: در بیان سرآب‌ه‌اء جدیدی خشک‌رود (بندهای ۱۷۵-۱۷۶)
۴. ۱۷. قسم هفدهم: در بیان آنکه بعضی قنّوات در ... (بند ۱۷۷)
۴. ۱۸. قسم هجدهم: در بیان آنکه بعضی قنّوات که در ... (بندهای ۱۷۸-۱۸۱)
۴. ۱۹. قسم نوزدهم: در بیان دعوی متصدیان بر سر باقی مقتیان (بندهای ۱۸۲-۱۸۳)
۴. ۲۰. قسم بیستم: در باب سرآب‌های رودخانه (بند ۱۸۴)
۴. ۲۱. قسم بیست و یکم (بندهای ۱۸۵-۱۸۶)
۴. ۲۲. قسم بیست و دوم (بند ۱۸۷)
۴. ۲۳. قسم بیست و سیم: در باب قسمت اراضی قنّوات بایرات (بند ۱۸۸)
۴. ۲۴. قسم بیست و چهارم: در باب سرباهی جدول ... (بند ۱۸۹)
۴. ۲۵. قسم بیست و پنجم: در باب طواحین که ... (بند ۱۹۰)
- باب پنجم: در بیان دعاوی میانه ملاک و مقتیان (بندهای ۱۹۱-۲۰۳) ۱۸۵
۵. ۱. قسم اول: در بیان مقطع کارها (بند ۱۹۲)
۵. ۲. قسم دوم: در بیان کار به سنگ نمودن (بند ۱۹۳)
۵. ۳. قسم سیم: در بیان کار بطله (بند ۱۹۴)
۵. ۴. قسم چهارم: در بیان اجاره قنّوات جدیدالاحداث ... (بندهای ۱۹۵-۲۰۰)
۵. ۱. ۴. قسم اول: در بیان تافیات برگاه (بند ۱۹۶)
۵. ۲. ۴. قسم دوم (بند ۱۹۷)
۵. ۳. ۴. قسم سیم: در بیان اجاره قنّوات جدیدالاحداث (بند ۱۹۸)

۵. ۴. ۴. قسم چهارم (بند ۱۹۹)
۵. ۴. ۵. قسم پنجم: در بیان کار ته‌زنی و شیب‌کن (بند ۲۰۰)
۵. ۵. قسم پنجم: در بیان اجاراتِ عماراتِ قنوات (بند ۲۰۱)
۵. ۶. قسم ششم (بند ۲۰۲)
۵. ۷. قسم هفتم: اجاره‌گشودنِ آب‌ها [از] حبس (بند ۲۰۳)
- باب ششم: در بیان دستور کارگری (بندهای ۲۰۴-۳۱۵) ۱۸۹
۶. ۱. قسم اول (بند ۲۰۵)
۶. ۲. قسم دوم (بندهای ۲۰۶-۲۱۴)
۶. ۳. قسم سیم (بندهای ۲۱۵-۲۲۳)
۶. ۴. قسم چهارم: در تعمیرِ کارِ سنگِ قدیم ... (بندهای ۲۲۴-۲۲۵)
۶. ۵. قسم پنجم (بندهای ۲۲۶-۲۳۶)
۶. ۶. قسم ششم (بندهای ۲۳۷-۲۴۱)
۶. ۷. قسم هفتم: در بیانِ سرِ چاه پوشیدن (بندهای ۲۴۲-۲۴۴)
۶. ۸. قسم هشتم (بند ۲۴۵)
۶. ۹. قسم نهم (بند ۲۴۶)
۶. ۱۰. قسم دهم (بند ۲۴۷)
۶. ۱۱. قسم یازدهم: در بابِ دوسِ سفالی به کار گذاشتن (بندهای ۲۴۸-۲۵۲)
۶. ۱۲. قسم دوازدهم: در بیانِ آبِ سردادن (بندهای ۲۵۳-۲۶۱)
۶. ۱۳. قسم سیزدهم (بندهای ۲۶۲-۲۶۷)
۶. ۱۴. قسم چهاردهم: در بیانِ قطع نمودنِ ریشه از ... (بندهای ۲۶۸-۲۷۳)
۶. ۱۵. قسم پانزدهم: در بیانِ بغلیر که ... (بند ۲۷۴)
۶. ۱۶. قسم شانزدهم (بند ۲۷۵)
۶. ۱۷. قسم هفدهم (بند ۲۷۶)
۶. ۱۸. قسم هجدهم (بندهای ۲۷۷-۲۸۱)
۶. ۱۹. قسم نوزدهم: در بیانِ شناختنِ دام‌زده و ... (بندهای ۲۸۲-۲۸۳)
۶. ۲۰. قسم بیستم: در بیانِ گل ریختنِ شاگردان ... (بندهای ۲۸۴-۲۸۸)
۶. ۲۱. قسم بیست [و] یکم (بند ۲۸۹)
۶. ۲۲. قسم بیست و دوم (بند ۲۹۰)
۶. ۲۳. قسم بیست و سیم (بند ۲۹۱)
۶. ۲۴. قسم بیست و چهارم (بند ۲۹۲)
۶. ۲۵. قسم بیست و پنجم: در بابِ کارِ جمهور (بند ۲۹۳)

۲۶. ۶. قسم بیست و ششم: در بیان قانون کارکنان چاه و بیرون (بند ۲۹۴)
۲۷. ۶. قسم بیست و هفتم: قانون میانه استاد و شاگردان (بند ۲۹۵)
۲۸. ۶. قسم بیست و هشتم (بند ۲۹۶)
۲۹. ۶. قسم بیست و نهم (بند ۲۹۷)
۳۰. ۶. قسم سی ام (بند ۲۹۸)
۳۱. ۶. قسم سی و یکم (بند ۲۹۹)
۳۲. ۶. قسم سی [و] دوم (بند ۳۰۰)
۳۳. ۶. قسم سی و سیم (بند ۳۰۱)
۳۴. ۶. قسم سی و چهارم (بند ۳۰۲)
۳۵. ۶. قسم سی و پنجم (بند ۳۰۳)
۳۶. ۶. قسم سی و ششم (بند ۳۰۴)
۳۷. ۶. قسم سی و هفتم (بند ۳۰۵)
۳۸. ۶. قسم سی و هشتم (بند ۳۰۶)
۳۹. ۶. قسم سی و نهم (بندهای ۳۰۷-۳۰۸)
۴۰. ۶. قسم چهل (بندهای ۳۰۹-۳۱۵)
۴۰. ۱. قسم اول: در باب اجاره کارها (بندهای ۳۱۰-۳۱۲)
۴۰. ۲. قسم دوم: در باب اخراج ایشان از کارها (بندهای ۳۱۳-۳۱۵)
- باب هفتم: در بیان دعاوی قسام و مقنی بر ... (بندهای ۳۱۶-۳۲۴) ۲۱۱
۱. ۷. قسم اول (بند ۳۱۷)
۲. ۷. قسم دوم: در باب حق السعی و حق الخدمت قسام (بندهای ۳۱۸-۳۱۹)
۳. ۷. قسم سیم: در بیان تعیین نایب قسام (بندهای ۳۲۰-۳۲۱)
۴. ۷. قسم چهارم (بندهای ۳۲۲-۳۲۴)
- باب هشتم: در بیان مصالح کار که ... (بندهای ۳۲۵-۳۳۳) ۲۱۳
۱. ۸. قسم اول (بند ۳۲۶)
۲. ۸. قسم دوم (بند ۳۲۷)
۳. ۸. قسم سیم (بند ۳۲۸)
۴. ۸. قسم چهارم (بند ۳۲۹)
۵. ۸. قسم پنجم (بند ۳۳۰)
۶. ۸. قسم ششم (بند ۳۳۱)
۷. ۸. قسم هفتم (بند ۳۳۲)
۸. ۸. قسم هشتم (بند ۳۳۳)

باب نهم: در بیان مشکلات کارها و علاج آن (بندهای ۳۳۴-۳۸۹) ۲۱۷

- ۱.۹. قسم اول (بندهای ۳۳۵-۳۳۶)
- ۲.۹. قسم دوم: در بیان چاه پیدا نمودن (بند ۳۳۷-۳۳۸)
- ۳.۹. قسم سیم (بند ۳۳۹)
- ۴.۹. قسم چهارم (بند ۳۴۰)
- ۵.۹. قسم پنجم: در بیانِ علاجی که اعتماد و ... (بندهای ۳۴۱-۳۴۲)
- ۶.۹. قسم ششم: در بیان آبخور و آببُر قنات و جداول (بند ۳۴۳-۳۴۵)
- ۷.۹. قسم هفتم (بندهای ۳۴۶-۳۴۸)
- ۸.۹. قسم هشتم (بندهای ۳۴۹-۳۵۰)
- ۹.۹. قسم نهم (بند ۳۵۱)
- ۱۰.۹. قسم دهم (بندهای ۳۵۲-۳۵۳)
- ۱۱.۹. قسم یازدهم (بندهای ۳۵۴-۳۵۶)
- ۱۲.۹. قسم دوازدهم (بند ۳۵۷)
- ۱۳.۹. قسم سیزدهم (بند ۳۵۸)
- ۱۴.۹. قسم چهاردهم (بندهای ۳۵۹-۳۶۰)
- ۱۵.۹. قسم پانزدهم (بند ۳۶۱)
- ۱۶.۹. قسم شانزدهم (بند ۳۶۲)
- ۱۷.۹. قسم هفدهم (بند ۳۶۳)
- ۱۸.۹. قسم هجدهم (بند ۳۶۴)
- ۱۹.۹. قسم نوزدهم (بند ۳۶۵)
- ۲۰.۹. قسم بیستم (بندهای ۳۶۶-۳۶۹)
- ۲۱.۹. قسم بیست و یکم (بندهای ۳۷۰-۳۷۲)
- ۲۲.۹. قسم بیست و دویم (بندهای ۳۷۳-۳۷۶)
- ۲۳.۹. قسم بیست و سیم (بندهای ۳۷۷-۳۷۸)
- ۲۴.۹. قسم بیست و چهارم (بندهای ۳۷۹-۳۸۰)
- ۲۵.۹. قسم بیست و پنجم (بندهای ۳۸۱-۳۸۴)
- ۲۶.۹. قسم بیست و ششم (بند ۳۸۵)
- ۲۷.۹. قسم بیست و هفتم (بندهای ۳۸۶-۳۸۷)
- ۲۸.۹. قسم بیست و هشتم (بند ۳۸۸)
- ۲۹.۹. قسم بیست و نهم (بند ۳۸۹)

باب دهم: در بیان تخمینای اجرت کارهایی که ... (بندهای ۳۹۰-۴۲۳) ۲۳۱

- ۱.۱۰. قسم اول (بند ۳۹۱)

- ۱.۰.۲. قسم دوم (بند ۳۹۲)
- ۱.۰.۳. قسم سیم (بند ۳۹۳)
- ۱.۰.۴. قسم چهارم (بند ۳۹۴)
- ۱.۰.۵. قسم پنجم (بند ۳۹۵)
- ۱.۰.۶. قسم ششم (بند ۳۹۶)
- ۱.۰.۷. قسم هفتم (بند ۳۹۷)
- ۱.۰.۸. قسم هشتم (بند ۳۹۸)
- ۱.۰.۹. قسم نهم (بند ۳۹۹)
- ۱.۰.۱۰. قسم دهم/ قسم دهم [مکرر] (بندهای ۴۰۰ و ۴۰۱)
- ۱.۰.۱۱. قسم یازدهم (بند ۴۰۲)
- ۱.۰.۱۲. قسم دوازدهم (بند ۴۰۳)
- ۱.۰.۱۳. قسم سیزدهم (بند ۴۰۴)
- ۱.۰.۱۴. قسم چهاردهم (بند ۴۰۵)
- ۱.۰.۱۵. قسم پانزدهم (بند ۴۰۶)
- ۱.۰.۱۶. قسم شانزدهم (بند ۴۰۷)
- ۱.۰.۱۷. قسم هفدهم (بندهای ۴۰۸-۴۰۹)
- ۱.۰.۱۸. قسم هجدهم: در بیانِ اجرتِ چاهی که ... (بندهای ۴۱۰-۴۱۱)
- ۱.۰.۱۹. قسم نوزدهم: در بابِ اجرتِ سدّ سیلاب که ... (بندهای ۴۱۲-۴۱۳)
- ۱.۰.۲۰. قسم بیستم: در بابِ تفاوتِ اجرتِ کار ... (بندهای ۴۱۴-۴۱۵)
- ۱.۰.۲۱. قسم بیست و یکم: در بابِ اجرتِ گِلِ پاخست (بند ۴۱۶)
- ۱.۰.۲۲. قسم بیست و دویم: در بابِ گِلونِ چاه (بندهای ۴۱۷-۴۱۸)
- ۱.۰.۲۳. قسم دویم^۱: در قانونِ باز یافتِ دوس از دوس پُر و مقتی (بندهای ۴۱۹-۴۲۳)
- ۱.۰.۲۳.۱. قسم اوّل (بندهای ۴۲۰-۴۲۱)
- ۱.۰.۲۳.۲. قسم دویم (بندهای ۴۲۲-۴۲۳)
- باب یازدهم: در بیانِ لازمه قسام و تعیینِ مقتی ... (بندهای ۴۲۴-۴۴۱) ۲۳۹
- ۱.۰.۱. قسم اوّل: در بابِ لازمه قسامان (بندهای ۴۲۵-۴۲۶)
- ۱.۰.۲. قسم دویم: در بیانِ لازمه ملاک و قسام به واسطه ... (بندهای ۴۲۷-۴۴۱)
- ۱.۰.۲.۱. قسم اوّل (بند ۴۲۸)
- ۱.۰.۲.۲. قسم دویم (بند ۴۲۹)

۱. درباره چگونگی و تناقض این قسم، در مقدمه کتاب توضیحات لازم ارائه شده است.

۱۱. ۲. ۳. قسم سیم (بندهای ۴۳۰-۴۳۱)
۱۱. ۲. ۴. قسم چهارم (بندهای ۴۳۲-۴۳۳)
۱۱. ۲. ۵. قسم پنجم (بند ۴۳۴)
۱۱. ۲. ۶. قسم ششم (بند ۴۳۵)
۱۱. ۲. ۷. قسم هفتم (بندهای ۴۳۶-۴۳۹)
۱۱. ۲. ۸. قسم هشتم (بند ۴۴۰)
۱۱. ۲. ۹. قسم نهم (بند ۴۴۱)
- باب دوازدهم: در بیان قیمتِ املاکِ دایره ... (۴۴۲-۴۷۵) ۲۴۳
۱۲. ۱. قسم اول: در بیان قیمتِ املاکِ دایره (بندهای ۴۴۴-۴۴۷)
۱۲. ۲. قسم دوم: لازمه معماران و کارفرمایانی که ... (بندهای ۴۴۸-۴۵۱)
۱۲. ۳. قسم سیم: در بابِ احتراز نمودن قسامان و ... (بندهای ۴۵۲-۴۵۶)
۱۲. ۳. ۱. قسم اول (بند ۴۵۳)
۱۲. ۳. ۲. قسم دوم (بند ۴۵۴)
۱۲. ۳. ۳. قسم سیم (بند ۴۵۵)
۱۲. ۳. ۴. قسم چهارم (بند ۴۵۶)
۱۲. ۴. قسم چهارم (بندهای ۴۵۷-۴۶۲)
۱۲. ۴. ۱. قسم اول (بند ۴۵۸)
۱۲. ۴. ۲. قسم دوم (بند ۴۵۹)
۱۲. ۴. ۳. قسم سیم (بند ۴۶۰)
۱۲. ۴. ۴. قسم چهارم (بند ۴۶۱)
۱۲. ۴. ۵. قسم پنجم (بند ۴۶۲)
۱۲. ۵. قسم پنجم: در بیان مصافِ کارگران (بندهای ۴۶۳-۴۶۶)
۱۲. ۵. ۱. قسم اول: در قانونِ مصافِ مردمِ سرحدّ (بند ۴۶۴)
۱۲. ۵. ۲. قسم دوم: مصافِ کردنِ گرمسیر (بندهای ۴۶۵-۴۶۶)
۱۲. ۶. قسم ششم (بند ۴۶۷)
۱۲. ۷. قسم هفتم (بند ۴۶۸)
۱۲. ۸. قسم هشتم (بند ۴۶۹)
۱۲. ۹. قسم نهم (بند ۴۷۰)
۱۲. ۱۰. قسم دهم (بند ۴۷۱)
۱۲. ۱۱. قسم یازدهم: در بیانِ وقوفِ ملاکان (بند ۴۷۲)
۱۲. ۱۲. قسم دوازدهم (بند ۴۷۳)

۲۵۳	تعلیقات.....
۲۹۹	پیوست‌ها.....
۳۰۱	پیوست ۱: گزارش دوره‌های خشکسالی در جویم و گرمسیرات.....
۳۰۳	پیوست ۲: رساله قمشان.....
۳۱۱	پیوست ۳: بخشی از خلاصه الحساب شیخ بهانی درباره ترازو کشیدن.....
۳۱۶	پیوست ۴: ترجمه و شرح مزجی فصل اول.....
۳۱۹	پیوست ۵: ترجمه و شرح محمّدصادق ترشیزی.....
۳۲۱	پیوست ۶: وقفنامه قنات حاجی میرزا علیرضائی.....
۳۳۰	پیوست ۷: سواد خلاصه وقفنامه قنات ناصریّه فی سنة ۱۲۷۳ق.....
۳۳۲	پیوست ۸: سند اجاره رقبه استاد حسن.....
۳۳۵	پیوست ۹: واژه‌های عربی مرتبط با کاریز.....
۳۳۷	نمایه‌ها.....
۳۴۱	واژه‌ها، اصطلاحات و تعبیرات.....
۳۵۹	اعلام (کسان، جای‌ها، کتاب).....
۳۶۱	اوزان، مقادیر، نقود و نسبت‌ها.....
۳۶۳	کتابنامه.....

دیباچه^۱

آب، همواره مهم‌ترین عامل تمدن بوده و به همین دلیل، دستیابی به آن جزو اصلی‌ترین دغدغه‌های آدمی به شمار می‌آمده است. امروزه نیز با گسترش جمعیت و تعدد مراکز تمدنی و با افزایش تولیدات گوناگون - که بیش‌ترشان به آب وابسته هستند - نیاز به آب افزایش یافته و راهکارهای دستیابی و روش‌های صرفه‌جویی و مصرف بهینه آن، مورد توجه بسیاری از کشورها قرار گرفته است.

بیش‌تر کشورهایی که برنامه‌ریزی‌های خود را بر پایه پیشرفت‌های پایدار تنظیم کرده‌اند، مسائل آب را در اولویت قرار داده‌اند، زیرا آب‌های قابل استفاده برای بشر، همواره منابع محدودی دارند و گاه حتی منابع آب یک کشور، در کشورهای دیگر قرار گرفته و در نتیجه، در برخی از مناطق، جنگ بر سر آب از مدت‌ها پیش آغاز شده است.

در سرزمین‌هایی که دارای بارندگی مناسب و آب‌های سطحی به اندازه کافی هستند، مشکل آب دیرتر نمایان می‌شود، اما در سرزمین کم‌آبی مانند ایران، دستیابی به آب از گذشته‌های دور، همواره جزو ملزومات زندگی بوده است. به همین دلیل در کنار راهکارهای استفاده بهینه از آب، راهکارهای گوناگونی را برای ذخیره‌سازی و بخش‌بندی این آب‌ها ابداع کرده و سازه‌هایی چون بندها، جدول‌ها، مادی‌ها، آب‌انبارها، خانی‌ها، یخدان‌ها و... را ایجاد کرده بودند.

۱. همه ارجاعات به متن دستورالعمل قسامان و مقتیان، به شماره بندها است. این شماره‌ها در آغاز هر کدام از بندها به صورت متوالی تا پایان متن درج شده است.

از سویی چون حجم آب‌های سطحی در ایران به اندازه‌ای نبوده و نیست تا نیازهای مناطق گسترده‌ای را پوشش دهد، پیشینیان ما برای دستیابی به آب‌های زیرزمینی، علاوه بر حفر چاه که برای بالا کشیدن آب، نیاز به صرف نیرو دارد، ساز و کار «کاریز» را ابداع کردند.

در یک تعریف کلی، کاریز یک آبراهه زیرزمینی با شیب بسیار کم است که آب سفره زیرزمینی موجود در منطقه‌ای نسبتاً مرتفع را به زمین‌های پایین‌تر می‌رساند.

برای اجرای یک کاریز^۱، میزان قابل توجهی خاکبرداری از زیر زمین لازم است و دایر ماندن آن نیز نیازمند فعالیت‌هایی مستمر مانند لای‌روبی، کول‌گذاری و... است که همه این‌ها به صرف هزینه و نیروی کار نیازمند است. با این حال، کاریز دارای ویژگی‌ها و سودمندی‌هایی است که اگر از دیدگاه اقتصادی و توسعه پایدار به آن نگریسته شود، در برابر هزینه‌های ایجاد و نگهداری آن به صرفه خواهد بود:

نخست اینکه صرفاً آب‌های زیرزمینی ارتفاعات را استخراج می‌کند و لذا به سفره‌های زیرزمینی دشت‌های کم‌ارتفاع آسیبی نمی‌رساند؛ در نتیجه، بسیاری از دریاچه‌ها، تالاب‌ها و گول‌هایی که در دشت‌های کم‌ارتفاع قرار دارند، از خشک شدن در امان خواهند ماند. ویژگی دیگر اینکه انتقال آب، صرفاً با استفاده از شیب ایجاد شده در آبراهه کاریز (کوره) صورت می‌گیرد و بدون استفاده از انرژی‌هایی چون الکتریسیته، آب‌های زیرزمینی یک منطقه دوردست را به منطقه‌ای خشک یا کم‌آب که نیازمند آب است می‌رساند^۲. نکته مهم‌تر آنکه علاوه بر صرفه‌جویی در نیرو، در گذشته از نیروی آب کاریزها برای راه‌اندازی سازه‌هایی چون آسیاب‌های کاریزی استفاده می‌کردند. جز این‌ها، ایجاد شغل‌های مرتبط با کاریز و رونق کشاورزی و اقتصاد که در سایه دستیابی به آب کاریزها ایجاد می‌شود را نیز می‌توان به موارد پیش گفته افزود.

علیرغم آنچه یاد کردیم، از چندین دهه پیش که فن‌آوری‌های جدید به ایران وارد شد و

۱. در بخش «نام‌های رایج کاریز و...» از همین مقدمه، شواهدی از تعبیّرات گوناگون متون فارسی برای کندن و به جریان انداختن کاریز را یاد خواهیم کرد. علیرغم کاربرد آن تعابیر در قرون گذشته، چون در چند قرن اخیر در اسناد و نوشته‌های ایرانی از تعبیر «اجرای کاریز» استفاده شده، همین را در کتاب کنونی به کار برده‌ایم.

۲. برعکس چاه‌های عمیق که عمدتاً در عمق دشت‌ها حفر می‌شوند و برای استخراج آب، نیازمند صرف نیرو هستند.

ایجاد سدّها و کاربرد دستگاه‌های حفّاری و موتورپمپ‌ها برای حفر چاه‌های عمیق، آب بیش‌تر و سهل‌الوصول‌تری را در دسترس نهاد، این نکته نادیده گرفته شد که کاربرد چاه‌های عمیق، ذخیره‌های استراتژیک آب در سفره‌های زیرزمینی دشت‌ها را تهی خواهد کرد. در نتیجه، ویژگی‌های سودمند و مهمّ کاریزها به دست فراموشی سپرده شد و اینک با گذشت چندین دهه، سفره‌های زیرزمینی از آب تهی شده و بی‌توجهی به کاریزهای قدیمی موجب متروک شدن آن‌ها گشته و کار به جایی کشیده که احتمالاً در آینده نه‌چندان دور، فتنی که موجب تأمین بخش قابل‌توجهی از آب مورد نیاز کشور بوده، از میان خواهد رفت.

روشن است که رویارویی با مسائل آب در کشور کم‌آبی مانند ایران نمی‌تواند عیناً مانند سرزمین‌های پرآب باشد و در کنار بهره‌گیری از فن‌آوری‌های سودمند روز، باید از برخی تجربیات موفق گذشته بهره برد. به عبارت دیگر، وقتی فنون و تجربیات ارزشمندی از قدام بر جای مانده است که قرن‌ها، به اصطلاح «جواب داده‌اند»، پس باید در نظر گرفت که احتمالاً با شرایط اقلیمی این سرزمین سازگاری دارند و نمی‌توان به آسانی از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. کاریز از این فنون است که قرن‌ها یکی از اصلی‌ترین عوامل تداوم تمدن ایرانی بوده، اما اکنون چنانکه باید به آن توجه نمی‌شود.

پرسشی که در این میان پیش می‌آید اینکه آیا بهتر نیست که به جای تأسیس «موزه آب» به ایجاد «پژوهشکده کاریز» پرداخت و به جای برگزاری همایش‌هایی در مرثیه‌سرایی برای کاریز به‌عنوان یک فن منسوخ، در زمینه پژوهش‌های مرتبط با آن سرمایه‌گذاری کرد؟ به عبارت دیگر اگر بتوان ساز و کار ایجاد و نگهداری کاریزها را ارتقاء داد و مثلاً با ساخت ماشین‌های ویژه حفّاری و کول‌گذاری، فرایند آسیب‌پذیری کاریزها و همچنین خطرات جانی کاریزکنان را کاهش داد، هزینه‌های تأسیس و نگهداری کاریزها کاسته می‌شود و این ساز و کار که تا نیم قرن گذشته، دست‌کم ۱۶ درصد آب‌های کشور را تأمین می‌کرده است، دوباره کارایی خود را نشان خواهد داد. حتّی می‌شود برخی از سازه‌های جنبی کاریزها را بهبود بخشید و از آن‌ها بهره‌برداری کرد. مثلاً به جای آسیاب‌هایی که در

گذشته با استفاده از نیروی آبِ کاریزها راه‌اندازی می‌شد^۱، می‌توان به راه‌اندازی ژنراتورهای کوچک آبی اندیشید و از این راه، بخشی از برقِ مورد نیاز یک منطقه (مثلاً یک روستا) را تأمین کرد.

درواقع اگر به این نکته توجه شود که اجرای کاریز و راه‌اندازی مجموعه‌ای از سازه‌های مرتبط با آن می‌تواند علاوه بر رونق کشاورزی و اقتصاد، به پیشرفت پژوهش‌ها و همچنین ایجاد مشاغل منجر شود، سرمایه‌گذاری در این زمینه نیز توجیه اقتصادی خواهد داشت. در زمینه‌های فنی، جزئیاتِ بسیاری وجود دارد که می‌توان مطرح کرد، اما پیش از آن، نیاز به گردآوری تجربیاتِ پیشینیان در این زمینه هست.

کتاب دستورالعمل قسامان و مقنّیان که خواننده در دست دارد، تنها متنِ شناخته‌شده به زبان فارسی دربارهٔ کاریزهاست که در اواخر دورهٔ صفوی (کمابیش در میانهٔ سال‌های ۱۰۷۴ تا ۱۱۱۷ق) توسط یکی از استادکارانِ فنیِ کاریز در شهر جویم لار نگاشته شده است.

اگر اطلاعات مندرج در این متن را با مجموعهٔ اطلاعاتی که در چند دههٔ گذشته از راه پژوهش‌های میدانی و پرسش از مقنّیان به دست آمده مورد سنجش قرار دهیم، خواهیم دید که دستورالعمل قسامان و مقنّیان تا چه اندازه در این زمینه غنی و ارزشمند است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که جز این متن، فقط یک متن دیگر به زبان عربی به نام انباط المیه الخفیه نگاشته ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب الکرجی (سدهٔ ۴ و ۵ق) در دست است که اختصاصاً دربارهٔ کاریزها نوشته شده و جز این دو اثر، متن دیگری در این زمینه موجود نیست. اما این دو متن نیز موضوع را عیناً از یک دیدگاه بررسی نکرده‌اند.

کرجی یک دانشمندِ آگاه در زمینه‌های ریاضیات و طبیعیات بوده و لذا تمرکز او بیش‌تر بر مسائلِ نظری، انواع آب‌ها و ابزار و مصالحِ کار بوده و اگرچه به بسیاری از مسائلِ فنی اشاره کرده، اما به جزئیاتِ آن توجه چندانی نداشته است. برعکسِ او، نویسندهٔ ما یک استادکار از طبقهٔ عوام بوده و به همین دلیل مباحث را با اشاره به جزئیاتِ فنی و اجرایی و

۱. در بخشی از همین مقدمه که به موضوع «آسیاب و کاریز» پرداخته شده، به ساختار آسیاب‌های کاریزی و استفاده از «توره» برای گرداندن پره‌های آسیاب اشاره شده است. از همین شیوه می‌توان برای گرداندن پره‌های (توربین‌های) ژنراتورهای آبی استفاده کرد.

همچنین مباحث حقوقي مرتبط با کاریزها مطرح کرده است. بنابراین، هرکدام از این متن‌ها بر یک گروه از مباحث مرتبط با کاریز تمرکز بیش‌تری دارند و مکمل هم به شمار می‌آیند.

این را هم باید افزود که چون متن ما به زبان فارسی است، اصطلاحات و واژه‌های فراوانی در آن به کار رفته که بسیاری از آن‌ها فارسی و بعضاً محلی هستند و چون مباحث فنی و عملی کاریزها، جزئیات و در نتیجه اصطلاحات بیش‌تری دارد، متن ما از دیدگاه اصطلاحات و واژه‌های مرتبط با کاریز، برتری محسوسی بر کتاب کرجی دارد.

چنانکه در نمایه اصطلاحات پایان کتاب خواهیم دید، در متن ما حدود ۷۰۰ واژه و اصطلاح و تعبیر مرتبط با کاریز به کار رفته که بیش از نیمی از آن‌ها در هیچکدام از متون منتشر شده یافت نمی‌شود و فقط تعداد ناچیزی از آن‌ها در پژوهش‌های مرتبط با گویش مناطق مختلف - به‌ویژه فارس - دیده می‌شود. بنابراین، علاوه بر اهمیت ویژه متن در شناسایی فن کاریزکشی، تعداد قابل توجه واژه‌های منحصر بفرد آن نیز می‌تواند دلیلی بر اهمیت انتشار آن باشد.

با توجه به آنچه یاد شد، تصحیح دستورالعمل قسامان و مقتیان با دو هدف به انجام رسیده است:

۱. انتشار متن برای دستیابی پژوهشگران به یکی از مهم‌ترین منابع تجربیات قدما درباره مباحث عملی کاریز.

۲. در دسترس قرار گرفتن متنی که مجموعه‌ای گسترده و بعضاً منحصر بفرد از اصطلاحات مربوط به فن کاریز در آن به کار رفته و چون پیش از این منتشر نشده بود، هنوز در جریان پژوهش‌های زبانی و فرهنگ‌نویسی فارسی مورد توجه قرار نگرفته است. چون از متن ما تاکنون فقط یک نسخه شناسایی شده و مبنای تصحیح آن در کتاب کنونی بوده، ناگزیر از منابع جنبی گوناگونی برای گشودن دشواری‌های آن استفاده شد. با این حال برخی از دشواری‌های متن - به‌ویژه در زمینه اصطلاحات فنی - با منابع موجود امکان‌پذیر نبوده^۱ و حل آن‌ها موکول به پیدا شدن منابع تازه‌تر در آینده خواهد بود.

۱. در اینگونه موارد، ناگزیر به گزارش دقیق ضبط هر واژه یا اصطلاح در نسخه پرداخته شد.

با توجّه به ساختار متن، این کتاب در چند بخش اصلی تنظیم شده است. در مقدمه کتاب، به معرفی نویسنده، برخی ویژگی‌های متن، نسخه موجود اثر و مسائل مربوط به شیوه تصحیح پرداخته شده است. از سویی چون در متن ما به بسیاری از مباحث مرتبط با کاریز پرداخته شده، لازم دیدیم تا برخی مباحث مرتبط با آب و آبیاری در ایران و به‌ویژه اطلاعات متون درباره کاریز و کارکرد آن در جامعه گذشته ایران را در مقدمه مورد بررسی قرار دهیم. این مباحث، در بسیاری از موارد با متن ما ارتباط دارند، اما دلیل دیگر برای پرداختن به این موضوعات آن است که بدون آگاهی از این موارد، شاید خواننده نتواند به آسانی، مباحث مطرح شده در دستورالعمل قسامان و مقنّیان را دریابد و این مقدمات، درواقع مدخلی بر مطالعه متن هستند.

در بخش تعلیقات، به یادکرد مواردی پرداختیم که عموماً جزو دشواری‌های متن به شمار می‌آیند یا به درک دقیق‌تر متن کمک می‌کنند. این تعلیقه‌ها شامل مسائل زبانی، مسائل فنی و مواردی از این دست است.

بخش دیگر، یعنی پیوست‌های کتاب، شامل متون و اسنادی است که بیش‌تر آن‌ها با مباحث متن ما ارتباط دارند^۱، یا برای دریافت دقیق‌تر متن به کار می‌آیند و یا اسنادی برای مباحث مطرح شده در مقدمه کتاب هستند.

در پایان جا دارد از آقای محمود خانی که زحمات صفحه‌آرایی کتاب را تقبّل کردند و همچنین از انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار و بویژه آقای دکتر محمد افشین‌وفایی برای پذیرش این متن در جزو انتشارات آن مؤسسه سپاسگزاری کنیم.

تابستان ۱۴۰۱ خ

ندا حیدرپور نجف‌آبادی^۲

علی صفری آق‌قلعه

۱. سه پیوست نخست، در نسخه مورد استفاده ما انتساخته شده‌اند که یکی از آن‌ها نگاشته نویسنده دستورالعمل قسامان و مقنّیان و دیگری نیز احتمالاً از هموست و انتشار آن‌ها ضروری بوده است.

۲. عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مقدمه

نویسنده اثر: فخرالدین علیشاه حسین قسام جویمی

نویسنده متن ما «فخرالدین علیشاه حسین قسام جویمی» نام دارد. جز نویسنده ما، یک تن دیگر با نام «محمدرفع فخرالدین جویمی» نیز یادداشت‌هایی توضیحی در حواشی برخی از صفحات افزوده که بعضاً اطلاعاتی در تکمیل یا اصلاح مندرجات متن هستند. ساختار نام این نفر دوم (یعنی: محمدرفع فخرالدین) نشان می‌دهد که باید «محمدرفع [بن] فخرالدین» باشد، زیرا تا همین چند وقت پیش نیز در شهرها و روستاهای ایران، نام افراد را بدون کاربرد «ابن»، فقط با کسره اضافه و یا حتی بدون آن به نام پدر اضافه می‌کردند (مثلاً: محمد سبزعلی = محمد پسر سبزعلی). بنابراین، دو تن که احتمالاً پدر و پسر بوده‌اند، اطلاعات خودشان درباره کاریزها را در متن و حواشی این اثر نگاشته‌اند. چون اطلاعات مندرج در حواشی محمدرفع فخرالدین جویمی در تکمیل متن اهمیت دارد، همه آن‌ها را در جای مناسب، در پاورقی‌ها بازنویسی کرده‌ایم.

نسبت جویمی

چون نسبت اشخاص، نشان‌دهنده خاستگاه آن‌هاست و شناسایی نسبت نویسنده ما نیز به شناسایی دقیق‌تر متن و جایگاه نگارش آن می‌انجامد، لازم است درباره آن گفتگو شود.

نسبت «جویمی» قاعدتاً به «جویم» بازمی‌گردد، اما باید توجه داشت که دو جایگاه به

این نام در ایالت فارس وجود داشته/ دارد^۱ که هر دو دارای کاریز بوده‌اند و باید به هر دو پرداخته شود. دلیلش آنکه شناسایی یکی، خاستگاه نویسنده ما را مشخص می‌کند و شناسایی دیگری، به شناخت جایگاه «آب رکناباد» در شعر حافظ شیرازی کمک می‌کند. مشخصات دو جویم، مطابق بخش‌بندی‌های ایالات از دیدگاه دیوانی در ادوار قدیم و همچنین چگونگی آن‌ها در روزگار ما بدینقرار است:

۱. جویم اردشیرکوره: روستایی در پنج فرسنگی شهر شیراز بوده، اما اکنون جزو شهر به شمار می‌آید و به نام «گویم» خوانده می‌شود. این روستا در ادوار کهن، یکی از سیزده طسوج شیراز به شمار می‌آمده و چون شیراز، جزو یکی از پنج کوره فارس یعنی اردشیرخره بوده، آن را به نام جویم اردشیرکوره شناسانده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۳).

۲. جویم ابی‌احمد یا جویم لاریا جویم دارابگرد: این شهر که اکنون نیز برقرار است، در جنوب استان فارس در شهرستان لارستان قرار دارد و با تلفظ جویوم (Juyom) خوانده می‌شود. جویم ابی‌احمد در گذشته نیز شهر بوده و جزو یکی از پنج منطقه شهری فارس یعنی کوره دارابگرد به شمار می‌آمده است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۹۶؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸ [الف]: ۱۱۹). در فارسنامه ناصری که اطلاعات آن مربوط به دوره قاجار است، قصبه جویم همراه با بیدشهر (در غرب جویم) به عنوان یک بلوک در نظر گرفته شده و «بلوک بیدشهر و جویم» خوانده شده‌اند. این بلوک از مشرق و جنوب با نواحی لارستان و از مغرب با بلوک خنج و از شمال با بلوک جهرم همسایه بوده است (فسانی، ۱۳۱۳: ۱۸۱-۱۸۲).

نویسنده ما در بند ۹ متن، به «جویم ابی‌احمد مشهور به جویم لار» اشاره کرده و در بند ۱۱ نیز آورده که از حدود ۳۰۰ سال پیش از نگارش متن، اداره یا تولیت بقعه شیخ ابراهیم کریم جویمی (مشهور به شیخ کرامات) در اختیار پدران او بوده است. بنابراین، می‌توان دانست که او و نیاگانش از همین جویم ابی‌احمد بوده‌اند. اما در اینجا لازم است تا اطلاعات متون کهن درباره این دو جویم را نقل کنیم تا جایگاه و ویژگی‌های آن‌ها به‌دقت مشخص شود.

۱. در برخی پژوهش‌های جدید، متوجه دوگانگی «جویم» نبوده و یا فقط به یکی اشاره کرده‌اند.

۲. در متن چاپی، همه جا «حریم» و «حریم ابی‌احمد» ضبط شده است.

دو جویم در متون و آب رکناباد

در برخی از متون کهن جغرافیایی که درباره مکان‌های جداگانه اما با نام همسان و مشترک نگاشته شده‌اند^۱، به جویم اشاره نشده، اما در فصلی از احسن التقاسیم (نگاشته ۳۷۵ق) با عنوان «ذکر الاسامی و اختلافها» به یادکرد شهرها و روستاهایی از سرزمین‌های اسلامی پرداخته شده که نامشان یکسان اما جایگاهشان متفاوت بوده است. در آنجا به دو «جویم» چنین اشاره شده است:

جویم ابی‌احمد مدینه و قرية جویم بفارس (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۰).

در بیش‌تر منابعی که به ضبط دقیق نام اماکن یا نسبت‌های مکانی اشخاص اختصاص یافته‌اند^۲، به «جویم» یا نسبت «الجویمی» اشاره نشده است؛ اما یاقوت حموی در معجم البلدان، ذیل همین مدخل، آن را به صورت «جَوَیم» ضبط کرده است:

جَوَیمُ: بالصَّمْ ثم الفتح و یاء ساكنة. مدینه بفارس یقال لها جَوَیم ابی‌احمد. سعة رستاقها عشرة فراسخ تُحَوِّطه الجبال کلّه نخیل و بساتین شربهم من القتی و لهم نهر صغیر فی جانب السّوق...^۳ (یاقوت حموی، ۱۸۶۶: ۱۶۴/۲).

چنانکه می‌بینیم، یاقوت صرفاً به جویم ابی‌احمد اشاره کرده و نوشته که خرماستان‌ها و بوستان‌هایی داشته و آبشان از کاریزها بوده و یک جوی کوچک هم داشته است. آنچه یاقوت درباره آب‌های جویم یاد کرده ظاهراً از احسن التقاسیم مقدسی گرفته شده است^۴.

اما ضبطی که یاقوت از نام شهر ارائه کرده، با ضبط رایج امروزی تفاوت دارد. علامه محمد قزوینی، در جایی از شدالازار که ترجمه «الشیخ حیدر المرتضوی الجویمی» آمده، در پاورقی، نخست ضبط این نام را از فارسنامه ناصری یاد کرده و در دنباله به ضبط یاقوت

۱. مانند کتاب المشترك وضعاً و المفرق صقلاً یاقوت حموی.

۲. برای نمونه در معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع اثر ابوعبید عبدالله بن عبدالعزیز البکری الاندلسی (د ۴۸۷ق) و همچنین در الانساب سمعانی ضبط این نام‌ها موجود نیست.

۳. در دنباله به شناساندن افراد منسوب به این شهر پرداخته شده است. در مرادص الاطلاع به نقل عبارات یاقوت با حذف یادکرد افراد پرداخته شده است (بغدادی، ۱۳۷۳: ۳۶۲).

۴. متن احسن التقاسیم چنین است: «و جَوَیم ابی‌احمد من الأمّهات سعة رستاقها عشرة فراسخ تحوطه الجبال کلّه نخیل و بساتین. شربهم من قتی و نهر صغیر من جانب السّوق...» (مقدسی، ۱۹۰۶: ۴۲۸).

در معجم البلدان اشاره کرده و گفته که تلفظ عربی این نام است^۱:

جویمی منسوب است به جویم به ضمّ جیم و سکونِ واو و ضمّ یاءِ مثناة تحتانیّه و در آخر، میم. معرّب گویم، نام بلوکی است از گرمسیراتِ فارس به مسافتِ پنجاه فرسخ تقریباً در جنوبِ شرقی شیراز (فارسنامهٔ ناصری ۲: ۱۸۱-۱۸۲ و نقشهٔ ص ۱۶-۱۷). و اگرچه در معجم البلدان این کلمه را به ضمّ جیم و فتح واو و سکونِ یاءِ بر وزنِ زبیر ضبط کرده، ولی این ضبط، تلفظ عربی این کلمه است و تلفظِ اهالیِ فارس، به همان نحو است که ذکر کردیم ... (جنید شیرازی، ۱۳۲۸: ۱۰۰ پاورقی).

چنانکه اشاره شد، فقط جویمِ ابی‌احمد دارای کاریز نبوده، بلکه جویمِ اردشیرکوره نیز دارای کاریز بوده و اتفاقاً یکی از منابعِ مهمّ آبِ شهرِ شیراز به شمار می‌آمده است. برای نمونه در همان احسن‌التقاسیم در توصیف آب‌های شهر شیراز اشاره شده که سبک‌ترین آب‌هایش از کاریزی است که از جویم جاری شده و به خانهٔ عضدالدوله (حک ۳۳۸-۳۷۲ق) داخل می‌شده است:

وله میاه تجری غیر نظیفه فلا ابارهم بالخفیفه. احسن موضع منه باب اصطخر و باب الجامع. واخف میاههم القنّاء الّتی تجری من جویم و تدخل دار عضدالدّولة و ابعاد الجبال الیها الی فرسخ ... (مقدسی، ۱۹۰۶: ۴۳۰).

یاقوت حموی هم که اطلاعات مربوط به شیراز را ظاهراً از مقدسی گرفته، در معجم البلدان ذیل یادکرد شیراز، به آب‌های آن اشاره کرده و نوشته که بهترین آب‌هایش آن است که از کاریزِ جویم می‌آید:

... الا انها مع ذلك عذبة الماء صحیحة الهواء كثیرة الخیرات تجری فی وسطها القنّوات و قد سیّبت بالاقذار و اصلح میاههم القنّاء الّتی تجیء من جویم و ابارهم قریبة القعر و الجبال منها قریبة (یاقوت حموی، ۱۸۶۶: ۳/۳۴۹).

نویسندهٔ سدهٔ هشتم، حمدالله مستوفی (حدود ۶۸۰-۷۵۰ق) که مدّتی در شیراز به مشاغل دیوانی مشغول بوده^۲ در جایی از کتابش دربارهٔ شیراز نوشته:

۱. البته باید توجه داشت که علی‌رغم دقّت بسیار یاقوت در آثارش، ظاهراً در ضبط این نام دچار اشتباه شده است. بنابراین، ممکن است ضبط او، اصولاً تلفظ عربی این نام نباشد.
۲. در این زمینه نک. مستوفی قزوینی، ۱۳۹۹: سی و یک.

آبش از قنوات است و بهترین آن، کاریز رکناباد است که رکن الدوله حسن بن بویه دیلمی اخراج کرده و بزرگتر قنات، قنات بندر که بکت سعدی مشهور است و هرگز به عمارت محتاج نمی‌شود (مستوفی قزوینی، ۱۹۱۳: ۱۱۵).

با سنجش اطلاعات این دو منبع می‌توان نتیجه گرفت که «کاریز رکناباد» مورد اشاره مستوفی قزوینی در سده ۷ و ۸ ق، ظاهراً همان کاریز مورد اشاره مقدسی در سده چهارم است که از دیه جویم جاری بوده و داخل خانه عضدالدوله می‌شده است. بنابراین، ظاهراً می‌شود به این نتیجه رسید که کاریز رکناباد یا کاریز جویم - که مطابق تصریح هر دو منبع، بهترین آب شیراز را داشته - همان «آب رکناباد» است که حافظ شیرازی بارها در اشعارش با ستایش از آن یاد کرده است.

دوره زندگی فخرالدین علیشاه حسین جویمی و محدوده نگارش اثر

در متن دستورالعمل قسامان و مقتیان به تاریخ نگارش آن تصریح نشده، اما چون کتابت نسخه در سال ۱۱۱۷ق بوده، می‌توان دانست که نگارش آن پیش از این دوره بوده است. اما جز این، قرینه دیگری داریم که می‌تواند دوره زندگی نویسنده را اندکی محدودتر کند. این قرینه، گزارشی کوتاه است که نویسنده ما درباره دوره‌های خشکسالی در جویم و گرمسیرات آورده و در پایان نسخه و پس از متن (گ ۷۲ پ) درج شده است. ما این گزارش را به عنوان «پیوست ۱» در پایان کتاب آورده‌ایم.

سال‌هایی که در این گزارش نقل شده، در نسخه به صورت ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۷، و ۱۷۲ نوشته شده است. این عددها نمی‌تواند نشان‌دهنده سال‌های ۱۱۳۶-۱۱۴۸ق و ۱۱۷۰-۱۱۷۲ق باشد؛ زیرا کتابت نسخه ما در سال ۱۱۱۷ق بوده و قاعدتاً نویسنده ما پیش از این دوره می‌زیسته است و در بخشی از گزارش خشکسالی‌ها تصریح کرده که این‌ها مواردی است که خود در خاطر دارد. بنابراین، تاریخ‌ها باید در دوره زندگی نویسنده و دو دوره خشکسالی در این گزارش، احتمالاً مربوط به سال‌های ۱۰۳۶ تا ۱۰۴۸ق و ۱۰۷۰ تا ۱۰۷۲ق بوده باشد. بویژه که برخی از این سال‌ها، با نام مرتبط با ادوار دوازده‌ساله ترکی یاد شده در گزارش (توشقان‌نیل، نیلان‌نیل، سیچقان‌نیل و بارس‌نیل) همخوانی دارد.

با توجه به آنچه یاد شد، اگر نویسنده ما در قدیمی‌ترین تاریخ این گزارش، یعنی ۱۰۳۶ق ده‌ساله هم بوده باشد، زادن او در حدود ۱۰۲۶ق خواهد بود. از این سوی هم او به سال ۱۰۷۲ق اشاره کرده؛ پس تا این سال و احتمالاً مدتی پس از آن زنده بوده است. اگر بپذیریم که نگارش گزارش خشکسالی پس از نگارش کتاب دستورالعمل قسامان و مقتیان بوده است، پس تألیف متن ما باید پیش از سال ۱۰۷۲ بوده و اگر گزارش خشکسالی هم‌زمان یا پیش از کتاب دستورالعمل قسامان و مقتیان بوده باشد، پس نگارش متن ما در محدوده زمانی ۱۰۷۲ (آخرین سال گزارش) تا ۱۱۱۷ق (کتاب نسخه) بوده است.

نام متن

جویمی در هیچ جای متن، صراحتاً نام اثر را متذکر نشده است، اما در چند جا عباراتی آورده که موضوع اصلی متن را توصیف می‌کند؛ چنانکه پس از فصل الخطاب (بند ۷) بلافاصله آورده:

اما بعد: این دستورالعملیست در امور قسامی و دعوایی که میانه ملاک و قسام و مقتی در باب قنات و جداول و مقاسم و بایره و دایره و غیره [پیش می‌آید]...

باز پس از مقدمه (پیش از بند ۹) عنوانی را بدینگونه در آغاز کتاب آورده است:

دستورالعمل امراء تحت الارض و احیاماتان و مزیدحیاتان که مشهور است به قسامان و استادان مقتی.

همچنین در آغاز فهرست فصول و ابواب کتاب (بند ۲۸) عبارتی بدینگونه آورده شده است:

و شرح دستورالعمل قسامان و مقتیان و غیره به دوازده باب مذکور می‌شود.

بنا بر شواهدی که نقل شد، نام مندرج در عبارت اخیر یعنی «دستورالعمل قسامان و مقتیان» را به‌عنوان نام اثر انتخاب کردیم.

خطبه دستورالعمل قسامان و مقتیان و انتقال از دیباجه صنایع الکمال

اشاره شد که نویسنده ما از عوام بوده و توانایی چندانی در نگارش ادبی و ظرایف آن نداشته است. شاید به همین دلیل است که بخش عمده خطبه دستورالعمل قسامان و مقتیان را با تغییرات لفظی اندک، از خطبه دیباجه صنایع الکمال (خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹: ۸۸)

رونویسی کرده است، بی آنکه به این موضوع اشاره‌ای کند.

برخی از اختلاف عبارات خطبه متن ما با دیباجه صنایع الکمال ظاهراً حاصل تصرّف جویمی است؛ هرچند این احتمال هم منتفی نیست که نسخه مورد استفاده او چنین بوده است. تا جایی که در عبارات خطبه متن ما اختلالی وجود نداشت، عیناً نقل شد و به اختلافات در پاورقی‌ها اشاره کردیم، اما در برخی از مواضع، عبارت‌ها مشکل دارد. در اینگونه موارد نیز عموماً متن جویمی حفظ شد، اما دلیل اشتباه در تعلیقات کتاب تشریح شد. در اندک مواردی نیز متن را با توجه به خطبه دیباجه صنایع الکمال اصلاح کردیم.

آیین فتوّت در دستورالعمل قسامان و مقتیان

در آغاز دستورالعمل قسامان و مقتیان مطالبی از گونه فتوّت‌نامه‌ها درج شده است (بندهای ۹-۱۲). چنانکه در مقدمه «رساله قمشان» (پیوست ۲ کتاب) اشاره کرده‌ایم، همسانی‌های این دو اثر با یکدیگر، این احتمال را قوّت می‌بخشد که نویسنده هر دو متن، یک تن است. بنابراین می‌توان دانست که نویسنده متن ما، به آیین فتيان گرایش داشته است. نکته دیگر آنکه جز مطالب بندهای ۹ تا ۱۲ دستورالعمل قسامان و مقتیان که مستقیماً با موضوع فتوّت ارتباط دارد، نشانه‌های گرایش نویسنده ما به آیین فتيان، به صورت پراکنده در جای جای متن دیده می‌شود که دریافتن برخی از آن‌ها نیازمند آشنایی با متون فتوّت است. برای نمونه اصطلاحات «امراء تحت الارض»، «احياء مماتان» و «مزیدحياتان» که چند جا در متن ما به کار رفته، از آن دست نام‌گذاری‌هایی است که ظاهراً در میان اهل فتوّت (به‌ویژه پس از سده دهم) رواج داشته است. برای نمونه ملا حسین واعظ کاشفی در جایی از فتوّت‌نامه سلطانی، درباره «سقایان» می‌نویسد: «و این طایفه را حیات‌بخشان می‌گویند» (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۲۹۵).

از دیگر نمونه‌های ارتباط نویسنده ما با آیین فتيان، اشاره به «کسوت» کارزکنان در چند جای متن است (بندهای ۱۱، ۲۹۵ و ۳۰۴) که می‌دانیم اهل فتوّت برای آن اهمیت بسیاری قائل بودند. در اینجا صرفاً به برخی نشانه‌های آیین فتوّت در دستورالعمل قسامان و مقتیان اشاره شد. قاعداً پژوهشگران آن حوزه می‌توانند اطلاعات متن را دقیق‌تر بررسی کنند و اطلاعات بیش‌تری به دست آورند.

فصل‌بندی کتاب و مشکلات آن در نام‌گذاری بخش‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها

جویمی کتاب را به دوازده «باب» و هر باب را به چند «قسم» بخش‌بندی کرده است؛ اما بخش‌بندی‌های ذیل هر قسم را هم باز با عنوان «قسم» نامیده و برای بخش‌بندی‌های کوچک‌تر نیز همین عنوان «قسم» را به کار برده است.

این موضوع، موجب آشفتگی در تبویب کتاب شده است. برای نمونه، قسم چهاردهم از «باب چهارم» کتاب، دارای سه «قسم» بدین‌قرار است: ۱. قسم اول (گگ ۲۸-ر ۲۸ پ) که خودش دارای پنج قسم است ۲. قسم دوم (گگ ۲۸ پ-۳۰ ر) که خودش دارای شش قسم است ۳. قسم سوم (گگ ۳۰-۳۱ ر) که خودش دارای پنج قسم است و قسم پنجم از همین قسم سوم نیز جداگانه دارای چهار قسم است (گگ ۳۱-ر ۳۲ ر).

بنابراین، پیگیری بخش‌بندی‌ها و تشخیص هر بخش کتاب از زیرمجموعه‌های آن، برای خواننده تا حدودی دشوار و سردرگم‌کننده خواهد بود؛ به همین دلیل، فهرستی از بخش‌بندی‌های متن را با روش شماره‌گذاری اعشاری در آغاز کتاب درج کرده‌ایم^۱ تا ارتباط بخش‌های اصلی و زیرمجموعه‌های هرکدام به دقت مشخص باشد.

اشتباهات جویمی در بخش‌بندی کتاب

جز اشکالی که در نام‌گذاری بخش‌های کتاب پیش آمده، چند اشتباه دیگر نیز در بخش‌بندی‌ها دیده می‌شود که ظاهراً حاصل کم‌دقتی خود جویمی است. برای نمونه، در آغاز «باب دهم» اشاره شده که مشتمل بر ۲۲ قسم است. این ۲۲ قسم بلافاصله پس از آن آمده، اما در پی آن‌ها بخشی با عنوان «قسم دوم» در قانون باز یافت دوس از دوس‌پز و مقتی^۲ درج شده که خود شامل دو «قسم» است و تقریباً یک صفحه به آن اختصاص یافته است (بندهای ۴۱۹-۴۲۳). در این مورد، ممکن است این تصوّر پیش آید که با یک جابجایی یا افتادگی رویاروی هستیم، اما چنین نیست. مهم‌ترین دلیل آنکه عنوان باب دهم چنین

۱. مثلاً: (۷. ۲. ۱)؛ یعنی قسم هفتم از قسم دوم از باب اول. این روش توسط دانشمند ایتالیایی پنانو (Peano) ابداع شده است. هر چند کاربرد آن در ایران - به‌ویژه در متن کتاب‌ها - چندان مورد پسند نیست، اما ارتباط فصول و اجزای آن‌ها را به دقت مشخص می‌کند و لذا بهتر است دست‌کم در فهرست مندرجات کتاب‌ها و متون از آن استفاده شود.

است: «در بیان تخمینای اجرتِ کارهایی که به دشواری از پیش می‌رود و باز یافتِ دوس از استادِ دوس پز و مقتی»؛ یعنی مطابق عنوانِ همین «باب»، قواعدِ تحویل گرفتنِ دوس در جزو آن بوده است. بررسی دقیق متن نشان می‌دهد که در اینجا جویمی دچار لغزش شده است و این اشتباه، حاصل خطای کاتب یا جابجایی نسخه نیست. بنابراین، ما این بخش را به عنوان زیر مجموعه‌ای از باب دهم در نظر گرفتیم و در فهرستِ مندرجاتِ آغاز کتاب، آن را «قسم بیست و سوم» از باب دهم به شمار آوردیم.

اشتباه دیگر در بخش‌بندی کتاب این است که در آغاز باب یازدهم اشاره شده که دارای هفت «قسم» است اما عملاً نه قسم دارد.

جابجایی‌های نسخه

صرف نظر از مشکلاتی که در نام‌گذاری بخش‌های کتاب و چند لغزشی که در تنظیم بخش‌ها دیده می‌شود، یک مشکل دیگر هم در نسخه وجود دارد و آن اینکه در برخی صفحات کتاب، ارتباطی میان مطالب با صفحه‌های بعدی وجود ندارد. این مشکل دقیقاً در پایان صفحات دیده می‌شود و از نوع افتادگی‌های میانه متن نیست. در نگاه نخست، شاید این تصوّر پیش آید که شیرازۀ نسخه از هم پاشیده شده و در صحافی و ترمیم‌های بعدی، برگه‌ها را اشتباه صحافی کرده‌اند. اما بررسی جابجایی‌ها این نکته را تأیید نمی‌کند، زیرا در چنان حالتی، جابجایی‌ها باید در برگه‌ها پیش می‌آمد، اما در اینجا مشکل در صفحات است؛ یعنی دنباله مطلبی که در نخستین صفحه یک برگه هست، در پشت آن نوشته نشده، بلکه در چند برگ بعدتر یا قبل‌تر نوشته شده است. از سویی پس از مرتّب کردن صفحات، مشخص شد که خوشبختانه متن دارای هیچ افتادگی نیست و لذا این عدم ترتیب، حاصل افتادگی هم نبوده است.

یکی از دلایل اینگونه جابجایی‌ها می‌تواند لغزش کاتب در نوشتن متن بر روی کراسه‌ها پیش از صحافی بوده باشد، اما باز هم فاصله جابجایی‌ها به گونه‌ای نیست که لغزش کاتب در نگارش صفحات کراسه را تأیید کند.

چگونگی این جابجایی‌ها با اشاره به صفحات آن‌ها در زیر آورده شده است. چنانکه می‌بینیم، ظاهراً نوعی الگوی مرتّب در این جابجایی‌ها وجود دارد، اما تشخیص دقیق آن،

موکول به دیدن نسخه از نزدیک است. انتقال صفحات را با نشانه پیکان (←) نمایش داده و صفحاتی را که ترتیب پیاپی دارند با حرف «تا» نشان داده‌ایم:

۴۸ رو ← ۵۶ پشت ← ۴۹ رو تا ۵۶ رو ← ۶۴ پ ← ۵۷ رو تا ۶۴ رو ← ۴۸ پشت
← ۶۵ رو تا ۷۲ رو (= پایان متن)

برای تشخیص ترتیب درست صفحاتی که در بالا می‌بینیم، ناگزیر به بررسی دقیق فصول و ابواب متن پرداخته شده و نهایتاً دقت برای دستیابی به ترتیب و روال درست مندرجات متن و پیوند مطالب با یکدیگر صورت گرفت.

بنا بر آنچه یاد شد، صفحه‌شمار نسخه که در میانه متن چاپی ما ثبت شده، بر اساس ترتیب درست متن است و در مواضعی که اینگونه جابجایی‌ها روی داده، صفحه‌شمار، مطابق ترتیب اصلی نسخه نیست.^۱

نسخه اثر

تنها نسخه‌ای که تاکنون از این متن شناخته شده، دستنویسی مورّخ ۱۱۱۷ق به نشانی The National Library of Israel- Ms. Yah. Ar. 1145 است که توسط کاتبی به نام «گنجعلی بن محمدابراهیم» در شهر شیراز کتابت شده است.

نسخه به خط نسخ نازیبا اما خوانا نوشته است. عناوین نیز به همین خط اما با قلمی درشت‌تر و به رنگ سرخ نوشته شده است.

نسخه دارای ۷۶ برگ نوشته است که متن اصلی دستورالعمل قسامان و مقنّیان در ۷۰ برگ آن (۲ پ-۷۲ ر) کتابت شده است. جز متن اصلی، سه رساله و یادداشت کوتاه در نسخه درج شده که یکی از آن‌ها یعنی گزارش دوره‌های خشکسالی در جویم و گرمسیرات از نویسنده متن ماست. یکی دیگر یعنی رساله قمشان نیز احتمالاً از نویسنده ماست. این دو اثر، در پایان نسخه و پس از متن اصلی کتابت شده است (گگ ۷۲ پ-۷۶ ر). اثر دیگر، فصل اول از باب هفتم خلاصه الحساب شیخ بهائی به زبان عربی درباره ابزار و شیوه

۱. در اینگونه موارد، در پاورقی به جابجایی و چگونگی آن اشاره شده است.

اندازه‌گیری شیب زمین (وزن الارض) است که در آغاز نسخه کتابت شده است (گگ ۱ پ-۲ ر). هر سه این رسالات را در پایان همین کتاب به عنوان پیوست‌های ۱ تا ۳ آورده‌ایم.

توصیف ساختارِ کاریز (قنات)

چنانکه اشاره شد، کاریز، یک آبراهه زیرزمینی افقی با شیبی اندک برای رساندن آب‌های سفره زیرزمینی نقطه‌ای نسبتاً مرتفع به سوی زمین‌های پایین‌تر از آن است. این آبراهه زیرزمینی «کوره» خوانده می‌شود.^۱ بخشی از کوره و چاه‌ها (میل‌ها) که در سفره زیرزمینی یا نزدیک به آن کنده شده‌اند، عملکرد گردآوری (زهکشی) آب را انجام می‌دهند. این آب در کوره جریان یافته و از انتهای آن که در مناطق پایین‌تر قرار دارد، به روی زمین می‌رسد. جایی که آب به روی زمین ظاهر می‌شود را «مظهر» کاریز می‌نامند. آب بیرون آمده از مظهر، با راهکارهایی بخش‌بندی شده و به مصارف گوناگون (کشاورزی، آشامیدن، بهداشت و...) اختصاص داده می‌شود.^۲

برای اجرای کاریز، نخست با توجه به قرائن گوناگون به شناسایی سفره آب زیرزمینی در جایگاهی مناسب برای این کار می‌پرداختند.^۳ سپس سه یا چهار چاه به نام «گمانه» در جایگاه‌های مناسب می‌کنند^۴ تا از اندازه آب سفره زیرزمینی و مناسب بودن سطح ایستایی آن اطمینان حاصل کنند.^۵ اگر اندازه آبدهی چاه گمانه مطلوب بود و ژرفای دستیابی به آب

۱. ظاهراً مسیر میانه دو میل و احتمالاً تمامی کوره به نام «پشته» نیز خوانده می‌شد. شاهد این معنی را که عبارتی از مفاتیح‌الارزاق است، در تعلیقات بند ۸۱ نقل کرده‌ایم. بهنیا، فاصله میان دو میل کاریز را پشته نامیده و اشاره کرده که در ۴ منبع او نیز پشته به معنای کوره کاریز به کار رفته است (بهنیا، ۱۳۷۹: ۲۷-۲۸). در متن ما همه جا به جای پشته از تعبیر «پله» استفاده شده است.

۲. در این بخش، عموماً به شیوه اجرای کاریز پرداخته و با مصارف آب کاری نخواهیم داشت.

۳. در میان متون کهن، بهترین نوشته درباره قرائن طبیعی برای شناسایی زمین‌های آبدار، نوشته کرجی است (کرجی، ۱۳۵۹: ۱۲-۱۵؛ کرجی، ۱۳۴۵: ۱۹-۲۴). در بخش «متون کهن آب و آبیاری» از همین مقدمه به برخی متون کشاورزی خواهیم پرداخت که فصولی درباره آبیاری دارند. بهنیا نیز شماری از شرایط و مکان‌های مناسب و نامناسب برای اجرای کاریز را برشمرده است (بهنیا، ۱۳۷۹: ۶۱-۶۳).

۴. در صفحات آتی همین مقدمه درباره چاه‌های گمانه گفتگو خواهد شد.

۵. به عبارت دیگر، حفر چاه‌های گمانه، مشخص می‌کرد که آیا نقطه به آب رسیدن نخستین چاه (یعنی سطح ایستایی آب در سفره زیرزمینی) به اندازه کافی بالاتر از مظهر و زمین‌های مورد نظر برای آبیاری هست یا نه.